

# کتابداری و اطلاع رسانی با فناوری اطلاعات تعامل یا تقابل؟

## در گفت و گو با استاد حرّی

• داریوش مطلبی

امروزه فناوری اطلاعات تمام حوزه‌های دانش و فعالیت‌های بشری را تحت تأثیر قرار داده است، و هیچ حوزه‌ای نیست که از دستاوردهای مستقیم و غیرمستقیم آن بی‌نصیب باشد. کتابخانه‌ها و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از جمله حوزه‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را از فناوری اطلاعات پذیرفته‌اند و شاید کمتر کتابخانه‌ای را می‌توان یافت که در عملکردهای اصلی خود یعنی ذخیره‌سازی، سازماندهی و اشاعه اطلاعات از ابزارهای فناوری اطلاعات استفاده نکرده باشد.

استاد عباس حرّی از جمله متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات کشور است که نام و آثار او و هم‌چنین فعالیت‌هایش همواره با موضوع کتابداری و اطلاع‌رسانی همراه بوده است. نزدیک به ۳۰ سال تدریس، تألیف ۶ عنوان و ترجمه ۳ عنوان کتاب، تألیف بالغ بر ۷۵ مقاله و راهنمایی بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری کافی است تا بهانه‌ای برای کتاب ماه کلیات، برای گفت‌وگو با چنین شخصیتی در خصوص تأثیر فناوری اطلاعات بر کتابخانه‌ها و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی باشد.

داشته باشید، در آغاز دوره پیدایش فناوری الکترونیکی، به آن «فناوری نوین اطلاعات»<sup>۱</sup> اطلاق می‌شد و معنای ضمنی این صفت «نوین» آن بود که قبلاً چیزی به نام فناوری اطلاعات وجود داشته است.

در مراکز سندپردازی نیز تا همین اواخر، یعنی پیش از بکارگیری رایانه، کارت‌های پیکابو و تجهیزات مرتبط با آن و شیوه‌ها و فنون سامان‌دهی آن‌ها و حتی راهکارهای بازبانی جزو مؤلفه‌های فناوری اطلاعات بود. بتدریج کلمه «نوین» از آن عبارت حذف شد و فناوری اطلاعات تنها به فناوری‌های متکی بر رایانه و تجهیزات الکترونیکی اطلاق گردید. سهم اجتناب‌ناپذیر ظرفیت‌های ارتباطی در دادوستدهای اطلاعاتی مبتنی بر فناوری نیز در دهه‌های اخیر سبب شد که ترکیب فناوری اطلاعات به فناوری اطلاعات و ارتباطات تغییر کند.

■ لطفاً فناوری اطلاعات را از دیدگاه کتابداری تعریف

فرمایید؟

□ تعریف فناوری اطلاعات از دید کتابداری و اطلاع‌رسانی چندان متفاوت با دیدگاه سایر حوزه‌های درگیر با این نوع فناوری نیست. از منظر این رشته، برآیند کلیه تجهیزات، فنون و تدابیر مرتبط با آن‌ها که در جهت تسهیل و تسریع فعالیت‌ها و خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی بکار گرفته می‌شود فناوری اطلاعات را تشکیل می‌دهد. با همین تعبیر، فناوری اطلاعات امر جدیدی نیست و تقریباً هم‌عمر این رشته از دور دست‌های تاریخ است، زیرا برای تولید، سامان‌دهی، ذخیره، و دسترس‌پذیر ساختن مواد و منابع از امکانات و مقهورات هر عصر و زمانی استفاده می‌شده است. منتهی، مقهورات و تجهیزات هر عصر با توجه به قابلیت‌هایی که داشته متفاوت بوده است. اگر توجه



است که در بحث‌های فلسفی درباره فناوری ترجیح می‌دهند که از کلمه تکنولوژی (که ریشه در کلمه یونانی «تخنه» دارد) استفاده کنند. البته، ما در بیان حاضر همان کلمه فناوری را بکار می‌بریم و منظور همان تکنولوژی مورد بحث فلسفه است.

رویکردی میانی که من به آن معتقدم تلفیق این دو را می‌پسندد، با این تأکید که جنبه ابزاری آن به قوت خود باقی است، منتهی تفسیر این رویکرد از «ابزار» به گونه‌ای است که نمی‌تواند رها از ارزش باشد. هر یک از دو طرز تفکر پیشگفته تلویحاً ارزش‌ها و ابزارها را از هم جدا می‌بیند؛ یعنی وقتی چیزی ارزش بود دیگر نمی‌تواند ابزار باشد و بالعکس، ابزار نیز رها از ارزش است؛ و حال آن که تفکیک این دو تقریباً ناممکن است. هر ابزاری در هر زمان و مکانی با خود ارزش‌هایی را به همراه می‌آورد. همراهی «ابزار» با «ارزش» وجه ابزاری «ابزار» را نفی نمی‌کند. مجموعه مهارت‌ها، کاربری‌ها، نگرش‌ها، و انتظارات درباره هر ابزاری، ارزش آن ابزار را رقم می‌زند. شمشیر، تفنگ، اتومبیل، هواپیما، تلفن و ده‌ها نمونه دیگر ابزار بوده و هستند، اما هر یک ارزش‌های ویژه خود را به همراه دارد. تفنگ، در قیاس با شمشیر، مهارت‌های استفاده و کاربردهایی می‌طلبد که در شمشیر نیست. کسانی که مقابل آن قرار می‌گیرند نیز تعبیرشان از فاصله خطرناک تفنگ، در مقابل همین فاصله برای شمشیر متفاوت است. نوع و میزان قدرتی که تفنگ به همراه می‌آورد نیز با شمشیر متفاوت است. این نگرش‌ها و مؤلفه‌ها

تعریفی هم که امروز از فناوری ارائه می‌شود از نظر ماهوی و مفهومی چندان دورتر از همان تعریف سنتی از فناوری اطلاعات که در آغاز به آن اشاره کردم نیست، زیرا در تعریف پذیرفته شده امروز فناوری عبارت است از: مجموعه‌ای از سخت‌افزار، نرم‌افزار، مغزافزار و دانش فنی که در جهت تولید کالا یا ارائه خدمات بکار گرفته می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که شمول و دامنه گسترده تعریفی که کتابداران از فناوری اطلاعات دارند، تفسیری ضمنی را نیز دربر می‌گیرد و آن این است که رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پیوسته به این می‌اندیشیده است که از کلیه فنونی که اهداف حرفه‌ای و خدماتی رشته را تحقق می‌بخشد بیشترین بهره را از آن خود سازد. به همین دلیل، سریع‌تر و آسان‌تر از بسیاری رشته‌ها با فناوری‌های گوناگون اطلاعاتی دمخور می‌شود و گاه در آن عرصه دست به نوآوری‌هایی نیز می‌زند.

### ■ فناوری اطلاعات بیشتر بعنوان نگرش و نوعی تفکر

#### مطرح است یا ابزار؟

□ دو طرز تفکر درباره فناوری (در معنای عام آن) وجود دارد: یک نگرش تکنولوژی را نوعی ارزش می‌داند و نگرش دیگر تکنولوژی را با همه مؤلفه‌هایش به مثابه نوعی ابزار می‌شناسد. در هر نگرش نیز استدالات و دفاعاتی وجود دارد. اینکه در اینجا از کلمه تکنولوژی استفاده می‌کنم به این جهت

## جامعه چندان به اطلاعات بهما نمی‌دهد و اساساً به چنین پدیده‌ای احساس نیاز نمی‌کند، و تا زمانی که اطلاعات در کلیه تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و خلاصه تمام منافذ جامعه راه نیابد، انتظاری جز این نمی‌توان داشت که کارگزاران اطلاعات و اطلاع‌رسانی را به بهایی نخرند

ظهور پایگاه‌های اطلاعاتی، بخصوص آنچه بصورت پیوسته در نظام‌های گسترده‌ای چون اینترنت پدید آمد به دلیل دامنه عمل، دسترس‌پذیری، آسان‌یابی، اقتصادی بودن و دهها مزیت دیگر سبب شد که رفته رفته شاهد حضور اطلاعات به جامعه چشمانده شود. نقش اطلاعات را در عرصه‌های مختلف بشناسند و مفاهیمی چون اطلاعات، اطلاع‌رسانی، سامان‌دهی اطلاعات و تعامل‌های پیوسته اطلاعاتی مطرح گردد، و بدین ترتیب ناآگاهی جامعه کاهش یابد.

بازتاب این رویدادها این شد که ماهیت رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی اندک اندک آشکار گردد و هویت آن از نظر اجتماعی بازشناخته شود. این اتفاق در واقع در بیرون این رشته روی داد، اما تأثیر قطعی‌اش بر این رشته کاملاً مشهود است. برخلاف کسانی که ورود فناوری اطلاعات را به معنای به محاق کشاندن شدن رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌دانند، من آن را مانده‌ای می‌دانم که این رشته را از بوتۀ ناشناختگی بیرون آورد و ارزش واقعی آن را بازشناساند.

### ■ لطفاً در مورد تأثیرات متقابل فناوری اطلاعات و کتابداری و اطلاع‌رسانی توضیحاتی بفرمایید؟

□ سؤال خوبی مطرح کردید. معمول این است که پیوسته سخن از تأثیر فناوری اطلاعاتی بر رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به میان می‌آید و این جاده را یکطرفه ترسیم می‌کنند، و حال آنکه فناوری اطلاعات نیز از رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تأثیر پذیرفته است و این تعامل روز به روز نیز افزایش می‌یابد.

ابتدا بد نیست تأثیر فناوری اطلاعات را بر این رشته جست‌وجو کنیم. رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی دو نوع تأثیر از فناوری پذیرفته است؛ یکی تأثیر ساختاری و دیگری تأثیر معناشناختی. در تأثیر نوع اول می‌توان از ساختار آموزش (نوع دروس، شیوه اجرای دروس، درسنامه‌ها، مهارت‌های مورد

همان است که ارزش خواننده می‌شود، اما تفنگ کماکان تفنگ است: ابزاری برای حمله و دفاع، در مورد همه ابزارها چنین تفسیرهایی می‌توان داشت.

فناوری اطلاعات بذاته ابزاری برای افزایش سرعت و سهولت سامان‌دهی و انتقال اطلاعات است، اما در همان «ذات»، ارزش‌هایی نیز نهفته دارد. همین که صفات «افزایش سرعت و سهولت» را برای آن بکار می‌بریم در واقع به بخشی از ارزش‌های آن اشاره می‌کنیم. طبعاً ورود فناوری اطلاعات به رشته‌ای چون کتابداری و اطلاع‌رسانی مهارت‌ها، امکانات، و شیوه‌های عمل متفاوتی را نیز به دنبال آورده است. این خاصیت هر ابزار نورسیده به عرصه‌های مختلف اجتماعی است و فناوری اطلاعات نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد.

### ■ لطفاً دیدگاه‌تان را درباره تأثیرات فناوری اطلاعات بر حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی از منظر جامعه‌شناختی بفرمایید؟

□ جامعه‌شناسی هر پدیده‌ای به مطالعه روابط متقابل جامعه و آن پدیده می‌پردازد. در مورد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز هر گاه قرار باشد از منظر جامعه‌شناسی به آن بنگریم همین نکته صادق است. اینکه این رشته تا چه حد توانسته است بر فرآیندهای گوناگون جامعه اثر بگذارد، نگرش‌های نوینی پدید آورد و ارزش‌هایی را جابه‌جا کند؛ و از سوی دیگر، جامعه تا چه حد منزلت این رشته را بعنوان پدیده‌ای اثرگذار بر مؤلفه‌های اجتماعی پذیرفته است، موضوع مطالعه جامعه‌شناختی این رشته است.

از گذشته‌ها پیوسته بحث درباره منزلت اجتماعی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، میزان شناخت و آگاهی مردم از این رشته، و نیز پذیرش آن بعنوان فعالیتی ضروری و اجتناب‌ناپذیر سخن رفته است و از ناشناس ماندن نزد اقشار مختلف جامعه گلایه‌ها و دل‌نگرانی‌هایی عنوان شده است و حتی برای رفع این موانع، نارسایی‌ها، ناخشنودی‌ها، راهکارها و توصیه‌هایی نیز در منابع و متون تحقیقاتی می‌توان یافت.

یکی از نکاتی که به جد به آن اشاره شده این است که جامعه چندان به اطلاعات بهما نمی‌دهد و اساساً به چنین پدیده‌ای احساس نیاز نمی‌کند، و تا زمانی که اطلاعات در کلیه تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و خلاصه تمام منافذ جامعه راه نیابد، انتظاری جز این نمی‌توان داشت که کارگزاران اطلاعات و اطلاع‌رسانی را به بهایی نخرند. آحاد جامعه در هر قشر و حرفه و شغلی که هستند تا شاهد اطلاعات را نچشند و تفاوت «بود» و «نبود» آن را درنیابند، به سوی آن میل نخواهند کرد.

شده است؛ مفاهیمی چون معماری اطلاعات، مدیریت پایگاه، چند رسانه‌ای‌ها، فرامتن، شبکه، سیاهه بازدارنده و موارد متعدد دیگر.

اما تأثیرهایی که فناوری اطلاعات از رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پذیرفته بیش از آنکه مربوط به تعامل معمول رشته‌ها یا یکدیگر باشد، اختصاصاً مربوط به این واقعیت است که کتابداری و اطلاع‌رسانی پیش از ورود فناوری به همان کاری می‌پرداخته است که تکنولوژی اطلاعات آن را ادامه داده است؛ یعنی ارائه اطلاعات مناسب، در زمان مناسب، به کاربر مناسب، هم‌چنین سرعت، سهولت، دقت مورد نظر این رشته را توانست تا حدود زیادی تحقق بخشد. بنابراین، طبیعی است اگر فناوری اطلاعات - چه از لحاظ عملکرد و چه از لحاظ نوع فعالیت‌ها - بیشترین تأثیر را از رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی - در قیاس با سایر رشته‌ها - پذیرفته باشد.

تأثیرپذیری فناوری اطلاعات از این رشته را نیز می‌توان به دو دسته ساختاری و مفهومی تقسیم کرد: از لحاظ ساختاری، بارزترین نمونه اینترنت است. اینترنت چیزی جز کتابخانه‌ای بزرگ با انواع مواد و منابع نیست که علی‌رغم سرعت و پوشش گسترده‌اش، از همان نارسایی‌های سنتی کتابخانه‌ها رنج می‌برد؛ یعنی مسأله حل نشده جامعیت و مانعیت در عرصه اینترنت نیز - اگر نگوئیم بیشتر، دست کم در همان حد گذشته - وجود دارد. البته مزایای فراوان دیگری دارد، ولی از منظر اطلاع‌رسانی گرفتاری‌های معناشناختی به قوت خود باقی است.

ساختار نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای بسیار متأثر از شاخص‌های کتابداری است و حتی الگوهای ذخیره و بازیابی و گاه خروجی‌های تعریف شده نیز از این رشته تأثیر پذیرفته است. هیچ کدام از این نرم‌افزارها چه داخلی و چه بین‌المللی نتوانسته است بدون مشاوره با متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی به محصولی قابل اعتنا و درخور استفاده بینجامد.

اصطلاحاتی چون کتابخانه الکترونیکی، کتابخانه دیجیتالی، کتابخانه مجازی و نیز پدیده‌های دیگری چون کتاب الکترونیکی، مجله الکترونیکی، و حتی نشر الکترونیکی، قوانین کیپی‌رایت در محیط دیجیتالی، و مواردی از این نوع، دست کم بخشی از پیکره ساختاری و اصطلاحی خود را از این رشته گرفته‌اند.

از لحاظ مفهومی نیز نمونه‌هایی چون وب‌سنجی به اقتباس از کتاب‌سنجی، وب‌نگاری یا وب‌نگاشت به اقتباس از کتاب‌نگاری (کتاب‌شناسی) و کتاب‌نگاشت، Sitation که پیوند میان siteها را مد نظر دارد به اقتباس از Citation، نمایه‌سازی مفهومی - که فی‌الواقع مفهومی نیست، بلکه ریشه‌ای است - به اقتباس از نمایه‌سازی موضوعی، و ده‌ها مورد دیگر را می‌توان ذکر کرد. البته آنچه در پاسخ این سؤال، یعنی رابطه متقابل فناوری



انتظار، بازار کار برای فارغ‌التحصیلان و جز آن)، ساختار فنی (شیوه‌های سازمان‌دهی، هم‌چون فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی، ابزارهای تهیه و دریافت منابع، پیدایش نوع خاصی از مواد مانند لوح فشرده، خلق پدیده‌ای به نام پایگاه اطلاعاتی و جز آن) و ساختار خدماتی (تفسیر جدیدی از سرعت و زمان پاسخگویی، تغییر مفهوم مرجع، تعبیر نوینی از محدوده کتابخانه، مانند مفهوم کتابخانه بدون دیوار، کتابخانه دیجیتالی، و جز آن) بعنوان کلیاتی اجمالی سخن گفت، گرچه هر یک از نمونه‌های پیشگفته خود موضوع بحث مفصلی است. همین تأثیرپذیری ساختارهاست که گروهی - بخصوص جوانان - را بر آن داشته است که بیندیشند آیا نام رشته قادر است این همه دگرگونی را در قیاس با گذشته، بازتاباند.

تأثیرپذیری معناشناختی، گرچه ناآشکارتر، به مراتب جدی‌تر است. جابه‌جایی حاکمیت و تابعیت در انتخاب زبان سازماندهی، یعنی به جای جبر انطباق از سوی کاربر، جبر انطباق از سوی کارگزار عنوان شده است. یعنی زبان نظام سازماندهی باید خود را با زبان نظام کاربری هماهنگ سازد، همان که امروزه در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی با بیان «حق با مشتری است» عنوان می‌شود. انواع نمایه‌سازی‌های «حذف» و «حفظ» که تنها با قابلیت‌های فناوری امکان‌پذیر است؛ کشف میزان ربط با استفاده از سامانه‌های ماتریسی که با مؤلفه‌های مدرک بر مدرک، مدرک با مدرک، کاربر شکل می‌گیرد. در مقیاس گسترده تنها با بهره‌جویی از فناوری امروز مقدور است. مرتب کردن مدارک با استفاده از بسامد واژه‌های کلیدی به منظور رتبه‌بندی مدارک براساس احتمال، و مواردی از این دست از پیامدهای حضور فناوری است.

به جز این موارد، می‌توان از ورود مفاهیمی جدید به رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی یاد کرد که با ورود فناوری اطلاعات به این رشته رواج یافته و جزئی از پیکره مفهومی این رشته



یا بخش کتابداری نیز تغییر کرد و با آموزش فناوری اطلاعات درهم آمیخت و نام برخی مدارس نیز متناسب با این تحولات تغییر یافت. آزمایشگاه‌هایی مبتنی بر فناوری اطلاعات در کنار یا درون مدارس و گروه‌های کتابداری تأسیس شد که قبلاً وجود نداشت.

تأثیر مستقیم فناوری اطلاعات بر آموزش حضور اجتناب‌ناپذیر آن در تدریس و اجرای دروس است. البته تجهیزات و وسایل آموزشی در گذشته نیز وجود داشته و برخی مدرسان نیز از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند، اما انعطاف‌پذیری فناوری نوین اطلاعات سبب شده است که در جریان درس، خواه بصورت حضور فناوری اطلاعات یا بصورت تکلیف آموزشی مشارکتی آشکار داشته باشد.

اما آنچه در حد تحولی چشمگیر می‌توان به آن اشاره داشت آموزش مجازی است که گرچه در رشته ما - به دلیل ماهیت خاص برخی دروس - هنوز همه‌گیر نشده است، کاری نوآورانه است و دیر یا زود نظام آموزش از راه دور چاره‌ای جز بکارگیری جدی فناوری اطلاعات ندارد. خصوصاً توفیق رشته‌هایی که کار عملی و مشاهداتی دروس خود را توانسته‌اند در محیط دیجیتال تحقق ببخشند، این نوید را به رشته ما می‌دهد که می‌توان آموزش مجازی را در این رشته، با همه گستره و گوناگونی‌اش، در دستور کار نظام‌های آموزشی دوبرد قرار داد.

■ چه راه‌هایی برای بومی‌سازی فناوری اطلاعات و اطلاع‌رسانی ایران پیشنهاد می‌کنید و کتابداران در این زمینه چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

□ رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی ما تقریباً همه الگوهای خود را از غرب گرفته است. دلیل این امر هم آن است که رویدادهای این رشته نظیر تعریف الگوریتم‌های سازماندهی و اشاعه و ارائه خدمات، جنبه جهانی دارد و با اندکی اختلاف - آن

اطلاعات و رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، عنوان شد مطالبی بود که در نخستین کاوش ذهنی به یاد می‌آید، اگر تحقیقی در این زمینه صورت گیرد به طور قطع موارد بسیاری را می‌توان یافت و آن‌ها را بصورتی نظام‌مند مقوله‌بندی کرد.

■ آیا می‌توان گفت که فناوری اطلاعات بخش‌های خاصی را در کتابداری و اطلاع‌رسانی تحت تأثیر قرار داده است؟ چه بخش‌هایی بیشتر تحت تأثیر بوده‌اند؟

□ وقتی امکاناتی جدید در اختیار قرار می‌گیرد، طبیعی است که ابتدا بخشی به سراغ آن می‌رود که بیشترین مسأله و گرفتاری را در کارهای معمول خود دارد. در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز پرمسأله‌ترین بخش مربوط به حوزه سازماندهی است. به همین دلیل، فناوری اطلاعات ابتدا در این حوزه وارد شد تا بتواند مسائل آن را حل کند. گرچه تا حدود زیادی در این زمینه توفیق یافت، مسائل زبانی و ارتباطی کماکان باقی است، زیرا این امر بیشتر به درک معنی از زبان ارتباطی و تفسیر دو سوی ارتباط از اصطلاح یا نماد واحد مربوط می‌شود، و از فناوری نیز در این عرصه چندان کاری ساخته نیست. اما انعطاف‌پذیری، سرعت و گستردگی‌های بازیابی را نمی‌توان منکر شد. افزایش نقاط بازیابی برای هر مدرک که تنها با استفاده از فناوری امکان‌پذیر بود، پدیده قابل اعتنا و مثبت دیگری است که باید از آن یاد کرد. انواع سازماندهی‌هایی نیز پدید آمد که به دلیل دشواری در نظام‌های دستی اساساً موضوعیت نداشت که از جمله می‌توان به نمایه‌سازی بسامدی و نمایه‌سازی استنادی اشاره کرد.

البته بخش‌های دیگری نیز از جمله بخش امانت و گردش مواد، تهیه و دریافت منابع و مدیریت نیز از فناوری تأثیر پذیرفتند، اما اثرگذاری آن‌ها در حد بخش سازماندهی نیست، گرچه تسهیلاتی را به نوبه خود فراهم آورده‌اند.

■ فناوری اطلاعات چه تأثیری بر آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در سطح بین‌المللی و ملی داشته است؟

□ تأثیری که آموزش از فناوری اطلاعات پذیرفته از دو مسیر بوده است، یکی از مسیر بازار کار، و دیگری بطور مستقیم از خود فناوری اطلاعات. مسیر اول که در واقع، هر نظام سالم آموزشی باید بپیماید این است که نیازهای بازار کار را در برنامه‌های خود لحاظ کند. این نیازهای مهارتی نیروی انسانی بالقوه کتابخانه‌ها تحولی نه تنها در نوع دروس و پیدایش دروس جدید ایجاد کرد، بلکه محتوای برخی دروس باقی مانده را نیز دگرگون ساخت و نفوذ فناوری در فعالیت‌های مختلف حرفه‌ای، نفوذ آن را در دروس مرتبط در مراکز آموزشی نیز به دنبال آورد. حتی در مراکز آموزشی برخی کشورهای غربی جایگاه مدرسه

## هر چه فناوری بیشتر رشد می‌کند، ارزش اطلاعات شناخته‌تر می‌شود؛ و هر چه ارزش اطلاعات را بیشتر بشناسند حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی شناخته‌تر خواهد شد

هم در اجزا - در همه جا یکسان است. از این نظر بسیار شبیه پزشکی است. بدن انسان از هر قوم، نژاد، ملیت و جنسیتی که باشد ویژگی‌های مشخصی دارد و راهکارهای کم و بیش مشابهی نیز در برخورد با آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. مواد اطلاعاتی (از هر نوع) نیز چنین است. تنها موردی که رویکردی بومی می‌طلبد، خط فارسی است که علی‌الاصول باید فرهنگستان زبان و ادب فارسی (به اعتبار رشته زبان‌شناسی) و فرهنگستان علوم (به اعتبار دو رشته ریاضی و رایانه) مشترکاً در مورد آن کار کنند تا استانداردی برای خط فارسی در محیط دیجیتال و انعطاف‌پذیری در بازیابی فراهم شود. گرچه در این زمینه کارهایی صورت گرفته است، ولی تا رسیدن به جایگاه مطلوب هنوز فاصله دارد.

اما اینکه کتابداران در این زمینه چه می‌توانند بکنند، باید گفت بهترین راه آن است که خواسته‌های حرفه‌ای خود را بطور پیوسته و پیگیر مطرح کنند و گرفتاری‌های بازیابی با خط فارسی یا برخی نرم‌افزارهای نامناسب را گوشزد و در مقابل آن‌ها ایستادگی کنند. چون کار خط و زبان را باید به زبان‌شناسی واگذاشت. در ضمن این نکته را هم عرض کنم که قطعاً عرض شما از بومی‌سازی شبیه‌سازی نیست، زیرا شبیه‌سازی در واقع اقتباس از همان روایت‌های غربی است و اشاره بنده به بومی‌سازی واقعاً بومی‌سازی به معنای درست کلمه است.

### تأثیر فناوری اطلاعات در روند جریان آزاد اطلاعات و اطلاع‌رسانی تا چه حد بوده است؟

خاطرم هست چندین سال پیش در جایی خواندم که اینترنت خار چشم دیکتاتورهاست؛ چون دیگر نمی‌توانند جلوی جریان آزاد اطلاعات را بگیرند. این سخن تا حدودی درست است، اما اتفاق دیگری نیز در این میان افتاده است و آن اینکه نوع جدیدی از دیکتاتوری جایگزین دیکتاتوری شناخته

شده پیشین شده و آن دیکتاتوری اطلاعاتی است که نوعی دیکتاتوری خزنده و خوش ظاهر است. این نوع دیکتاتوری به دشواری قابل تشخیص است و اثر آن نیز تدریجی است. آرایه‌های این نوع دیکتاتوری در چگونگی نشر اطلاعات، تعبیر و تفسیرهای اطلاعاتی، ارزش‌گذاری‌های اطلاعات علمی - یا در واقع شاخص‌های علمی بودن اطلاعات - نهفته است. البته نمی‌توان گفت که همه این شاخص‌ها «آلوده» است، ولی آلودگی‌ها اندک نیست.

با این همه، در مورد کاربرانی که متر و معیاری برای خود دارند، آزادی جریان اطلاعات از طریق رهاوردهای فناوری اطلاعات نعمتی است که باید قدر آن را شناخت. برای کاربرانی که ذهن نقاد و ملاکی جافته‌اند، اطلاعات بعنوان ماده‌ای خام تلقی می‌شود که می‌توان آن را براساس شاخص‌هایی محک زد. هرگز اجازه نمی‌دهند که اطلاعات خام - بصورت قطعی و بی‌چون و چرا - بخشی از پیکره معرفت ذهنی آن‌ها را تشکیل دهد.

البته بنده کمی از موضوع سؤال شما عدول کردم و بیشتر به سراغ نتایج محتمل این آزادی جریان اطلاعات رفتم. برای اینکه به پاسخ سؤال بازگردم باید بگویم که تأثیر فناوری اطلاعات بر جریان آزاد اطلاعات انکارناپذیر است. اما چگونگی رویارویی با چنین جریانی خود مقوله دیگری است که بنده تلنگری به آن زدم.

### با توجه به ظهور فناوری اطلاعات در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی آیا کتابداران از هویت شغلی جدیدی برخوردار شده‌اند، چالش‌های ایجاد شده در این زمینه کدام‌ها هستند؟

نمی‌توان گفت به «هویت شغلی جدیدی» رسیده‌اند، بلکه باید گفت هویت شغلی واقعی خود را باز یافته‌اند؛ و آنان که تلاش کرده‌اند موفق شده‌اند که این هویت را به جامعه نیز بشناسانند. چون با اتفاقی که با ورود فناوری اطلاعات افتاده است این امکان را یافته‌اند تا آرمان‌های حرفه‌ای خود را تحقق بخشند، یا دست کم در آن مسیر به رهاوردهایی دست یابند. اما اگر نام سنتی را نمی‌پسندند و مایلند که نام باب روزی برای حرفه خود انتخاب کنند، مختارند. منتهی باید توجه داشت که این نام نیست که تعیین هویت می‌کند، نوع فعالیت و عملکرد است که منزلت هویت را تعیین می‌کند. ما پیوسته می‌کوشیم بر فرزندانمان نام‌های زیبا بگذاریم، اما هرگز بابت نام زیبایی کسی به وی امتیاز نداده‌اند، و به قول شکسپیر، «رز» را به هر نامی که بنامی «رز» است. ورود فناوری اطلاعات سبب شده است که کتابدارتر باشیم، چون همان‌طور که در پرسش‌های قبلی هم اشاره کردم، هر چه فناوری بیشتر رشد می‌کند، ارزش

## حرفه کتابداری برای استفاده بهینه از فناوری اطلاعات نیازمند صاحبان حرفه فناوری است و حرفه فناوری اطلاعات نیز برای معنا بخشیدن به این فناوری و آگاهی از هویت‌ها و فرآیندهای انتقال محتوا نیازمند حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی است

بخشید، و همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم می‌تواند هویت واقعی این حرفه را متجلی سازد.

■ فناوری اطلاعات چه نقشی در تعامل حرفه‌ای کتابداران با سایر حرفه‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی داشته است؟  
□ فناوری اطلاعات راه‌های ارتباطی را هموارتر کرده است؛ بنابراین، تفاوت نمی‌کند که ارتباط با افراد باشد یا با حرفه‌ها، در سطح ملی باشد یا بین‌المللی، این امر اتفاق افتاده است. حرفه ما می‌تواند از این فرآیند به سود خود بهره‌مند شود و درصدد باشد که از یافته‌ها و نوآوری‌های دیگر حرفه‌ها آگاه شود تا در صورت لزوم و تناسب، آن‌ها را در پیشبرد فعالیت‌هایش بکار گیرد. اما تأثیر مستقیمی که فناوری داشته همکاری دو حرفه کتابداری و رایانه است تا آن‌جا که فناوری اطلاعات در عرصه اطلاع‌رسانی نقش ایفا می‌کند. حرفه ما برای استفاده بهینه از فناوری اطلاعات نیازمند صاحبان حرفه فناوری است و حرفه فناوری اطلاعات نیز برای معنا بخشیدن به این فناوری و آگاهی از هویت‌ها و فرآیندهای انتقال محتوا نیازمند حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی است.

در گذشته کمتر حرفه‌ای را می‌توان یافت که این چنین با حرفه ما عجین شده باشد؛ و برخلاف برخی کوتاه‌بینی‌ها که دست به گریبان هر یک از دو حرفه می‌تواند باشد، هیچ یک برتر از دیگری نیست، بلکه تنها با اشتراک مساعی دو طرف می‌توان هر دو حرفه را تقویت کرد و ضمناً آرمان‌های حرفه‌ای را نیز تحقق بخشید.

■ آیا می‌توان گفت که با ظهور فناوری اطلاعات کتابداری از بین رسته‌ای شدن به بین حرفه‌ای شدن تبدیل شده است؟  
□ البته این دو مفهوم با یکدیگر متفاوت است «بین رسته‌ای» اصطلاحی دانشگاهی است و غرض از آن این است

اطلاعات شناخته‌تر می‌شود؛ و هر چه ارزش اطلاعات را بیشتر بشناسند حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی شناخته‌تر خواهد شد. این در واقع، بالیدن به همان هویت شغلی واقعی است. این تعبیر دیگری از بیان «جس شر» است که اطلاع‌رسان کتابداری است که کارش را درست انجام می‌دهد.

■ آیا می‌توان گفت که فناوری اطلاعات شغل (Job) کتابداری را به حرفه (Profession) مبدل کرده است؟  
□ پاسخ من به این پرسش منفی است، چون تفاوت حرفه و شغل را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. حرفه دارای دو وجه است: دانش نظری و مهارت عملی و این وجوه دوگانه است که حرفه را از شغل متمایز می‌کند. پایه‌های دانش نظری را فناوری نمی‌تواند ایجاد کند، بلکه باید جدای از هر نوع فناوری از قبل پدید آمده باشد. ممکن است نگرش‌های نوینی به مبانی نظری افکنده شود، اما این در حدی نیست که بتواند مبنای معرفتی یک رشته - از جمله رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی - را دگرگون کند. کار فناوری اطلاعات تحقق دانش نظری و اجرای مهارت‌های عملی به وجه مطلوب‌تر است. به بیان دیگر، فناوری اطلاعات - در صورتی که بدرستی مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند آرمان‌های حرفه‌ای این رشته را جامه عمل بپوشاند.

■ مهارت‌های جدید کتابداران که از فناوری اطلاعات نشأت گرفته‌اند، بر هویت فردی و شایستگی آنان چه تأثیری داشته است؟

□ اجازه دهید در اینجا «هویت فردی» را از «شایستگی‌های حرفه‌ای» جدا کنم. هویت فردی همان قدر با ورود فناوری جدید اطلاعاتی دگرگون شده است که در هر شهروند دیگری در هر شغل و کاری رخ داده است؛ یعنی هر فرد بعنوان کاربر ساده فناوری اطلاعات و فقط در مقام «کاربر» توانسته است به اطلاعات گسترده‌تر، شیوه استفاده از امکانات رایانه‌ای و اینترنتی و مانند آن دست یابد. بنابراین، تا این نقطه از کار، این امری عادی است. اما تأثیر فناوری بر «شایستگی‌های شغلی» زمانی تحقق پیدا می‌کند که کتابداران بتوانند این فناوری را در جهت پیشبرد اهداف حرفه‌ای، نوع خدمات، الگوهای سازماندهی، مدل‌های ذخیره و بازیابی و جز آن بکار بندند. این نوع تأثیرپذیری - دست کم در کشور ما - تنها در مورد معدودی از اصحاب حرفه اتفاق افتاده است، و بیشتر در حد مهارت‌های کاربری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فناوری اطلاعات استفاده می‌کنند.

حال اگر تنها خود را به وجه «شایستگی‌های حرفه‌ای» محدود کنیم، باید عرض کنم که هر گاه از فناوری بعنوان یک «فرصت» استفاده شود بخوبی می‌توان این شایستگی‌ها را ارتقا

اینترنت وجود داشته باشد، ولی آنچه باید در کتابخانه مجتمع باشد در قیاس با مراجعان و خدماتی که باید به آن‌ها ارائه شود ناچیز است.

در حوزه آموزش نیز رایانه آن قدر نیست که هر دانشجو هر زمان که نیازمند باشد بتواند براحتمی به آن دست یابد. البته نوع کتابخانه نیز در این امر نقش دارد. بطور مثال، کتابخانه‌های عمومی در قیاس با سایر کتابخانه‌ها دارای ضعف بیشتری هستند. استنباط من - براساس تجربه - این است که دسترسی فردی دانشجویان و کارکنان یا کاربران کتابخانه‌های عمومی به رایانه در منزل به مراتب بیشتر از واحدهای اطلاع‌رسانی از جمله کتابخانه‌ها است. البته این ادعایی است که باید مورد تحقیق قرار گیرد، ولی پیمایش‌های کاری و شغلی چنین نتیجه داده است. اگر این امر از طریق تحقیق نیز تأیید شود باید در این باره متأسف بود که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی از رسالت خود بسیار دور مانده‌اند.

■ پیش‌بینی شما در مورد پیشرفت‌های اخیر در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات چیست، آیا این دو به سمت ادغام پیش نمی‌روند؟

□ دریافت من این نیست که ادغامی صورت خواهد گرفت. ممکن است رشته‌ای پدید آید که دروسی از این و دروسی از آن نیز در برنامه آموزشی‌اش وجود داشته باشد، ولی هرگز منجر به حذف هویت هیچ یک نخواهد شد. سال‌هاست که رشته جدیدی به نام مهندسی زیست پزشکی در دانشگاه‌های غرب تأسیس شده و تا مقطع دکتری نیز فارغ‌التحصیل داده است. اما این ترکیب، هویت هیچ یک از حوزه‌های «مهندسی»، «زیست‌شناسی» و «پزشکی» را از میان نبرده است. در موارد دیگری همچون بیوشیمی، بیوفیزیک، ژئوفیزیک و مانند آن نیز چنین است. البته حفظ هویت انفرادی هر یک از این حوزه‌ها به توانمندی و استواری پایه‌های نظری آن‌ها نیز وابسته است. هر گاه رشته‌ای درصدد حفظ کیان خود نباشد و برای پیشبرد اهداف نظری و عملی حرفه خود تلاش نکند و یا بدینانه‌تر اینکه نسبت به واسپاری خود به رشته یا رشته‌های دیگر نیز چندان بی‌میل نباشد، «مستحیل» شدن رشته‌اش در رشته‌ای دیگر دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد. در چنان وضعیتی، آنچه رخ می‌دهد دیگر «ادغام» نیست، بلکه «استحاله» است. آن گاه خیامی دیگر باید تا در سوگ از دست رفتن «کوزه‌گر، و کوزه‌خر و کوزه‌فروش» فغان سر دهد.

■ از جناب عالی برای فرصتی که در اختیار کتاب ماه کلیات قرار دادید بسیار سپاسگزارم

که رشته‌های آکادمیک از یافته‌ها، روش‌ها و مدل‌های یکدیگر در مباحث و مسائل خود بهره‌مند می‌شوند و گاه مسائلی را که ریشه در بیش از یک رشته دارد بصورت گروهی مورد مطالعه قرار می‌دهند که اعضای گروه را متخصصان رشته‌های مختلف تشکیل می‌دهند و تجلی این نوع مشارکت‌ها را در مقالات چند مؤلفی می‌توان مشاهده کرد. اما روابط «بین حرفه‌ای» بیشتر برای حل مسائل عملی و اجرایی است که نمونه آن را در سؤال قبلی عنوان کردم. در مجموع می‌توان گفت که «بین رشته‌ای» ناظر بر مسائل معرفتی و «بین حرفه‌ای» ناظر بر مسائل مهارتی است. بدین ترتیب، این دو مانع‌الجمع نیستند. یعنی حوزه‌ها می‌توانند به اعتباری با یکدیگر روابط بین رشته‌ای داشته باشند و به اعتباری دیگر روابط بین حرفه‌ای.

اما در سؤالتان از عبارت «بین رشته‌ای شدن» برای کتابداری و اطلاع‌رسانی استفاده کردید که به نظر می‌رسد پیش فرضی را در ذهن داشته‌اید و آن اینکه این حوزه ماهیت بین رشته‌ای دارد یا چنین ماهیتی خواهد یافت. در اینجا باید عرض کنم که رشته‌ها براساس تفکیک تخصص‌ها پدید آمده‌اند و این امر در مورد همه رشته‌ها از جمله رشته کتابداری صادق است. اما مسائلی که برای تحقیق و تتبع پیش می‌آیند براساس قوالب از پیش تعیین شده پدید نمی‌آیند. مسأله‌ای مطرح می‌شود و باید برای حل آن راهی یافت. ممکن است راه حل مطلوب از طریق همکاری چند تخصص حاصل شود. بنابراین، هر مسأله همکاری‌های تخصصی ویژه‌ای می‌طلبد که ممکن است با مسأله‌های دیگر متفاوت باشد. امروزه تحقیقات بین رشته‌ای در اکثر حوزه‌ها بسیار متداول است. اما این همکاری‌ها ماهیت هر رشته را دگرگون نمی‌کند. کتابداری و اطلاع‌رسانی هویتی دارد که آن را از سایر رشته‌ها و حرفه‌ها متمایز می‌کند، اما مثل هر رشته دیگر برای حل مسائل خود ناگزیر از جلب همکاری و مشارکت سایر حرفه‌ها و رشته‌هاست. «بین رشته‌ای شدن» و «بین رشته‌ای اندیشیدن» دو مقوله متفاوت است.

■ به نظر شما در مقایسه با سایر کشورهای پیشرو در زمینه بهره‌گیری از فناوری اطلاعات تأثیر آن در کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران معنی‌دار بوده است؟

□ علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در زمینه بکارگیری فناوری اطلاعات داشته‌ایم، متأسفانه در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی آن گونه که شایسته است از آن بهره نبرده‌ایم و از این جهت حتی با برخی کشورهای نه چندان پیشرو نیز فاصله داریم. گاه در برخی مراکز سرانه رایانه، بطور مثال، نسبتاً مناسب است، ولی در توزیع واقعی سهم کتابخانه‌ها چنین نیست. ممکن است در اتاق کار هر یک از کارکنان یک سازمان یک رایانه متصل به